



کوچه بی بی گل

نام فعلی: بی بی گل

منطقه: بک
نشانی: خیابان سزده چنار
محلله اوین

روزهای پایانی اسفند ۱۳۸۲ برای خانواده «بی بی گل» تلخ و غم‌انگیز بود. بی بی گل، دختر ۲۶ ساله خانواده که پر از شور زندگی بود مدتی بود

با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد و سرانجام تن رنجور او در مقابل این بیماری تاب نیاورد و در هفته پایانی اسفند به سوی آسمان پر کشید. بی بی گل تا سال‌های پایانی حیاتش، داوطلبانه و عاشقانه با مؤسسه خیریه بهنام دهش پور، همکاری می‌کرد؛ مؤسسه‌ای که با کمک نیکوکاران، خدمات حمایتی را به بیماران مبتلا به سرطان و به ویژه کودکان ارائه می‌دهد. پس از درگذشت بی بی گل، با پیشنهاد مادرش، زنده یاد مینا صفوی آزاد، گروهی به نام «باران بی بی گل» در مؤسسه خیریه بهنام دهش پور تشکیل شد. این گروه که یکی از زیرمجموعه‌های گروه خدمات حمایتی مؤسسه است، برای تأمین هزینه آموزش به کودکان مبتلا به سرطان فعالیت می‌کند. سال ۱۳۸۵ شهرداری منطقه یک با پیشنهاد فرهاد آزاد، پدر بی بی گل، موافقت کرد و نام این دوشیزه نیکوکار بر کوچه محلله اوین ماندگار شد. کمک‌های خیرخواهانه خانواده بی بی گل به همراه سایر خیران نیکاندیش به دانش‌آموزانی که مبتلا به سرطان هستند، تا پایان تحصیلات عالی‌ه ادامه دارد.

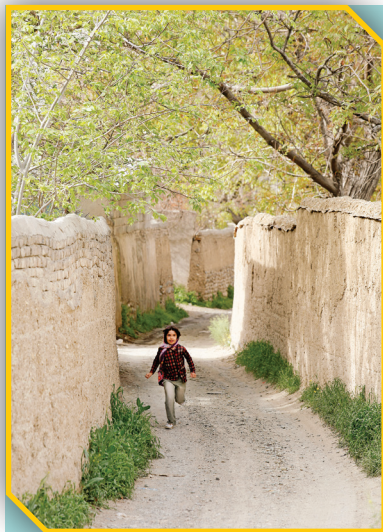


کوچه اندرونی

نام فعلی: اندرونی

منطقه: ۵
نشانی: بزرگراه شهید همت، محلله
بالون به سمت کوچه باغ

ناصرالدین شاه علاقه خاصی به محدوده کن و سولقان داشت. آب و هوای خوش این روستاها باعث شده بود تا خدمه بیشتر وقت سال اسباب تفریح و گردش شاه را برای سفر به روستاهای غرب تهران به خصوص در بهار و تابستان مهیا کنند. همین رفت‌وآمدها باعث شد تا نام یکی از کوچه‌های کن با ناصرالدین شاه پیوند بخورد. کوچه اندرونی را باید معروف‌ترین کوچه این محلله قدیمی نامید؛ کوچه‌ای با قصه‌ای شنیدنی که سال‌هاست نقل به نقل می‌چرخد و با خاطرات قدیمی‌ها مرور می‌شود. کوچه اندرونی که ابتدای آن با درختان چنار قدیمی مزین شده در محدوده مرز محلله سرآسیاب و محلله میانده در کن قرار دارد. این کوچه به نوعی اندرونی ناصرالدین شاه محسوب می‌شد و این پادشاه قجری زمان رفتن به بیلاقی به اینجا می‌آمد. کوچه این روزها نشانی از خاطرات گذشته در خود ندارد. حتی نامی بر دیوار آن حک نشده ولی اهالی آن را به نام اندرونی می‌شناسند. معروف است حمای در این کوچه وجود داشت که آن را برای ناصرالدین شاه گرم می‌کردند بعد از رفتن شاه مردم برای استفاده از آب گرم و زلال آن که برای پادشاه آماده شده بود جلوی حمام صف می‌کشیدند.



کوچه هلندی

نام فعلی: هلند

منطقه: ۸
نشانی: خیابان دماوند، خیابان
میرحسینی

کوچه هلند برای اهالی محلله‌های شرق تهران و به ویژه ساکنان خیابان زرکش مثل یک تونل زمان است که آنها را با خود به گذشته می‌برد؛ کوچه‌ای پرماجرا و پر از قصه‌های

تلخ و شیرین که هنوز سینه به سینه میان اهالی محلله نقل می‌شود. داستان شکل‌گیری کوچه‌ای به نام کشور هلند در خیابان زرکش، با زلزله سال ۱۳۴۱ در بوئین زهرا، کوچ آرامنه به اراضی شرق تهران و نیز سفر ملکه هلند به ایران گره خورده است. پس از ویرانی‌های زلزله سال ۱۳۴۱ بوئین زهرا، بسیاری از آرامنه که در روستاهای این شهر مثل روستای چاناخچی سفلی سکونت داشتند، پس از تخریب خانه‌هایشان به تهران کوچ کردند. کوچ این گروه از آرامنه به تهران و محلله زرکش اما با سفر ملکه هلند به مناطق زلزله زده بوئین زهرا مرتبط است. علیرضا زمانی، تهران‌شناس، می‌گوید: «او پس از بازدید از مناطق زلزله زده، زمین‌های بایر شرق تهران را برای اسکان آرامنه روستاهای زلزله زده خرید و خانه‌هایی به نامی متداول در کوچه‌ای ساخت. زمین‌های این محدوده نیز به دلیل اینکه سال‌ها پیش با کوچ گروهی از آرامنه به اراضی مجیدیه، وحیدیه و زرکش به محل سکونت آرامنه تبدیل شده بود انتخاب شد. علاوه بر کوچه هلند، دو کوچه دیگر نیز به نام‌های زرین و مدارس آرامنه ساخته شد که اکنون هر ۳ کوچه با همان نام قدیمی در دل خیابان زرکش وجود دارند.» اکنون با گذشت ۵۵ دهه از کوچ آرامنه بوئین زهرا به این محدوده، به تدریج نمای ظاهری چند خانه قدیمی تغییر کرده اما کوچه هلند هنوز هم حال و هوای گذشته خود را با کلیسایی در انتهای کوچه حفظ کرده است.



کوچه آسیاب گیلانی

نام فعلی: کوچه فاضری

منطقه: بک
نشانی: میدان دربند، خیابان
دربند

روزگاری که از کارخانه‌های آرد خبری نبود و آسیاب‌ها دسترنج کشاورزان را آرد می‌کردند، کوچه آسیاب گیلانی برای خود

برویایی داشت. اکنون دیگر از آسیاب قدیمی کوچه خبری نیست و تنها نامی از آن در کوچه‌ای خاطر انگیز که با باغ‌های میوه و خانه‌ها احاطه شده باقی مانده است. علیرضا زمانی، تهران‌شناس، می‌گوید: «آسیاب گیلانی دربند، آسیابی بود زمستان‌گرد و در نزدیکی باغ‌های گیلان که تنها زمستان‌ها و تا ۴۰ روز پس از بهار با آب رودخانه دربند کار می‌کرد. نام کوچه آسیاب گیلانی اما به گوش بسیاری از کشاورزان تهرانی آشنا بود، چرا که بسیاری از آنها پس از برداشت محصول از روستاهای دور و نزدیک برای آرد کردن محصولات خود به دربند و آسیاب معروف آن سر می‌زدند.»

